

کشتی

کشیش نینوس مقدس نیا

مختصری از زندگینامه کشیش نینوس مقدس نیا

«نینوس مقدس نیا» در بیست و یکم تیر ۱۳۴۱ در خانواده‌های آشوری و مسیحی در شهر اهواز به دنیا آمد. از دوره کودکی تا جوانی، در کلیسای «شبان نیکو» اهواز (که نیز نظر دو کلیسای پروتستان انجیلی و اسقفی اداره می‌شد) و تحت تعلیمات مسیحی پرورش یافت، و ایمان مسیحی و علاقه‌اش به خدمت در کلیسا، پایه‌ریزی شد. پس از اخذ دیپلم، در سال ۱۳۵۹ همراه با خانواده به تهران، نقل مکان کرد و با سکونت در این شهر، به خدمت در کلیسای انجیلی آشوری و تحصیل در دوره الهیات مسیحی پرداخت.

در سال ۱۳۶۵ پس از فارغ‌التحصیلی، به کلیسای اهواز اعزام شد تا کلیسای شهر خود را که در اثر جنگ، چند سالی مانده بود، بازگشایی کند. یک سال بعد، به علت مهاجرت کشیش وقت و شبان کلیسای انجیلی آشوری

تهران، به مرکز فرا خوانده شد و در چهاردهم تیر ۱۳۶۶ (در بیست و پنج) رسماً به مقام کشیشی رسید و مسئولیت شبان کلیسای انجیلی آشوری تهران را به عهده گرفت. او در حال حاضر علاوه بر انجام خدمات کشیشی در کلیسای خود و سالهای تدریس، در دوره الهیات مسیحی شورای کلیسای انجیلی ایران، به ترجمه و تألیف کتب و انتشار بولتنهای داخلی و فصلنامه‌های کلیسایی می‌پردازد. در سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ «ماهنامه ستاره درخشنده صبح» را از دو شماره بیست و ششم تا شماره هفتاد و چهارم با دوزبان آشوری و فارسی (آخرین شماره) با همکاری یوسف عیسایی، اداره کرد. سپس از سال ۱۳۷۹ انتشار فصلنامه «الف و ی» را آغاز کرد. که تماماً به زبان آشوری است و به مسائل ملی و مذهبی آشوریان ایران می‌پردازد. در سالهای اخیر، این امکان برای او مهیا شد که تحصیلات دانشگاهی خود را تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته مترجمی زبان انگلیسی به پایان رساند.

۱۵۱
کلیسای نینوس مقدس نیا

کلیسای نینوس مقدس نیا

او را هدایت می‌کند، نکات اخلاقی و اعتقادی بسیاری می‌آموزد تا ایمان او کامل شود.

قرون دوم و سوم میلادی دوره آزار و جفا دیدن مسیحیان، تحت ظلم و جور امپراتوری روم بود. طبیعتاً داستانهای مسیحی نیز در همین جهت، گسترش یافتند. ماجرای شهادت دلخراش صدها هزار مسیحی بی‌گناه، تنها به جرم پایداری بر ایمان و عقیده خود، هر قلب سنگی را هم نرم می‌کرد. محکومیت وحشیانه مسیحیان به سوخته شدن در آتش، طعمه حیوانات درنده شدن، و انواع مرگ توأم با شکنجه‌های وحشتناک، مایه اصی داستانهای واقعی بود که اغلب با عناصر قهرمانانه و گاه، مافوق طبیعی آمیخته می‌شدند. چنین ادبیاتی، نه فقط اعلام مظلومیت مسیحیانی بود که بدون هیچ گونه مقاومت و یا مقابله به مثل، جان خود را فدای ایمان‌شان می‌کردند، بلکه فروپاشی کفر و پیروزی ایمان را هم نوید می‌داد.

داستان «چهل گلابیاتور» از این جمله است. این داستان قدیمی، حکایت چهل گلابیاتور است که در شهر رم مسیحی می‌شوند و به همین دلیل از جنگیدن و کشتن برای تفریح امپراتور و تماشاگران، سرپیچی می‌کنند. امپراتور رم، حکم می‌کند که آنان را در آن زمستان سرد، به یکی از دریاچه‌های یخ‌بسته سوییس ببرند و برهنه بر یخها رها کنند تا از سرما بمیرند. افسری که در رأس سربازان رمی، مسئول اجرای حکم است، در حین راه تحت تأثیر رفتار و ایمان این مسیحیان قرار می‌گیرد و یقین حاصل می‌کند که آنان خطایی که مستوجب چنین مرگ دلخراشی باشد، انجام نداده‌اند. بالاخره به دریاچه یخ‌زده می‌رسند و طبق دستور، آن چهل گلابیاتور برهنه و بر یخها روانه می‌شوند تا بمیرند. آنان دلیرانه به راه می‌افتند، در حالی که سرودی با این مضمون می‌خوانند: «مسیحا، چهل گلابیاتور در راه تو جنگیدند و به نفع تو ظفر یافتند. اکنون از تو تاج جلال را می‌طلبند.»

در حالی که سرودخوانان از افق دید آن افسر و دیگر سربازان رمی دور می‌شوند، ناگاه یکی از آنان برمی‌گردد و ترسان و لرزان، ایمان مسیحی خود را انکار نموده و خواهان عفو می‌شود. افسر رمی که مأمور اجرای مجازات است، با اکراه به آن منکر ایمان می‌نگرد و می‌گوید: «آنان در سرودشان، «چهل گلابیاتور» بودند و باید «چهل گلابیاتور» هم بمانند. من مسیحی می‌شوم و جای تو را پر می‌کنم. بیا، لباسهای مرا بپوش!» او هم دوان و سرودخوانان، به آن گروه می‌پیوندند.

داستانهای شهدای مسیحی کلیسا، در واقع گنجینه ادبی عظیمی است که صدها جلد را در زبانهای مختلف شامل می‌شود.

ماجرای شهدای مسیحی، نه فقط در کلیسای غرب، بلکه در شرق نیز، دستمایه کتب ادبی قطوری

داستان‌گویی و داستان‌نویسی، مؤثرترین روش انتقال پیام است. مخاطب، غالباً در برابر پیامی تازه و بدیع، مقاوم است و هر حرف و سخن ناشنیده‌ای را به دشواری می‌پذیرد. اما به کارگیری داستان، و بیان پیامی خشک و دشوار در قالب روایتی شیرین و سهل‌الهمضم، توانایی پذیرش را در مخاطب افزایش می‌دهد: خصوصاً اینکه، او درمی‌یابد که پیام مورد نظر، عملی و در جهان واقعیات نیز قابل تصور است.

داستان‌گویی از شیوه‌های پیامبری عیسی مسیح بود که آن را کرارا به کار می‌گرفت. در اناجیل، حدود چهل داستان و مثل از مسیح ثبت شده، که از نمونه‌های تک‌آیه‌ای گرفته تا روایت‌های طولانی، همه متضمن پیامی روحانی و معنوی‌اند که در قالب داستان بیان شده است. مسیح تمام مثل‌های خود را از مسائل آشنا و زندگی روزمره مردم می‌گرفت: برزگری که در مزرعه خود بذر می‌پاشد، اما دانه‌های بذر در جاهای مختلف می‌افتند و ثمر گوناگون می‌دهد (متی ۱۳: ۱-۸ و ۱۸-۲۳)؛ نابه‌جا بودن وصله نو بر جامه کهنه (مرقس ۲: ۲۱)؛ و عاقبت مرد ثروتمند و گدایی به نام ایلعازر (لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱).

بعضی مثل‌های مسیح، در واقع کنایات تلخی حاکی از تنبیه الهی بر قوم برگزیده خود، و گشوده شدن در رحمت خدا برای تمام اقوام و ملل عالم بودند؛ مانند مثل باغبانان شرور (متی ۲۱: ۳۳-۴۶)، و جشن عروسی پسر پادشاه (متی ۲۲: ۱-۱۴). بیشترین تعداد مثل‌ها و حکایات مسیح را در انجیل لوقا می‌توان یافت. لوقا، بیست و هفت مثل مسیح را در انجیل خود آورده که از این میان، دوازده مثل در اناجیل متی و مرقس نیز ذکر شده‌اند، اما پانزده مثل دیگر، مختص انجیل لوقا هستند. از جمله، می‌توان به حکایات بسیار مشهور «سامری نیکو»، «ثروتمند احمق»، «بیوه‌زن سمج»، و به خصوص، داستانهای سه‌گانه «گوسفند گمشده»، «سگه گمشده» و «پسر گمشده» مذکور در باب پانزده انجیل لوقا اشاره نمود، که قرن‌ها نقل صحبت واعظان و مبشران مسیحی‌اند، و قلب و وجود هزاران حق‌جو را جذب محبت بخشاینده و نجات‌دهنده الهی کرده‌اند.

در تاریخ کلیسا و طی قرون بعدی، ادبیات داستانی همچنان مورد توجه دنیای مسیحیت بود و کلیسا از آن، در اعلام پیام نجات‌بخش خود بهره می‌برد. در قرن دوم، داستان «شبان هرماس» به قدری نزد ایمانداران مسیحی، محبوبیت داشت که حتی بعضی مایل بودند آن را به مجموعه کتب عهد جدید ضمیمه کنند. ماجرای این داستان اخلاقی که «اولین قصه مسیحی» محسوب می‌شود، از این قرار بود که نویسنده آن، یا همان «هرماس» - برادر «پیوس» اسقف شهر رم در اواخر قرن اول میلادی - در رؤیاهای متعددی که می‌بیند، از «فرشته توبه» که در واقع مانند «شبان»



شدند. با مسیحی شدن امپراتوری رم در قرن چهارم و توسط قسطنطین، مسیحیان ساکن شرق در امپراتوری ساسانی، مورد سوءظن شاهان قرار گرفتند. در جنگهای ایران و رم، شائبه گرایش مسیحیان ایران به همکیشان رومی‌شان، موجب جفاهای متعددی بر مسیحیان و تخریب کلیساها در زمان شاپور دوم، یزدگرد اول و بهرام پنجم شد.^۲ کلیسای آن زمان ایران «کلیسای پارس» نامیده می‌شد و بالاترین مقامش پاتریاک بود و ساکن در پایتخت یا مدائن این کلیسا، که زرتشتیان مسیحی شده را هم در خود می‌پذیرفت، و حتی آنان را به مقامات بالای روحانی و کلیسایی هم می‌رساند، یافت و بدنه اصلی‌اش آشوری بود. به همین دلیل، نه فقط انجیل، بلکه ادبیات نثر و نظم و نیز تواریخ آن به زبان آشوری میانه (که اصطلاحاً «آرامی» یا «سریانی» خوانده شده) به نگارش درآمده است. فقط کتاب «تاریخ شهدا» و مقدسین مسیحیت» (مربوط به کلیسای شرق آشوری در امپراتوری ساسانی ایران)، هفت جلد قطور است که در اوایل قرن بیستم، توسط روحانی دانشمند کاتولیک آشوری، «کشیش پُل پجان» (۱۹۲۰ - ۱۸۳۸ م)، تصحیح و منتشر شد.^۳

«مار ابریم سریانی» (حدود ۳۰۶ - ۳۷۳ م) از مشهورترین قدیسان کلیسای شرق است که شهرت عالم‌گیر او در جهان مسیحیت، به خاطر خدمات بی‌شماری است که به ادبیات مسیحی ارائه داده است. هر چند، او بیشتر به خاطر اشعار نغز و تفاسیر بی‌همتای خود شناخته شده، و باید توجه داشت که اغلب اشعار او - در واقع - بازگویی حکایات کتاب مقدس و یا روایات تاریخی، در قالب سروده‌های مذهبی است.^۴

داستانهای شهدا در غرب، منحصر به جفای مشرکان به مسیحیان نبود، بلکه گاهی شهیدان جنگهای داخلی میان فرقه‌های مختلف مسیحی را هم، شامل می‌شد. با آغاز نهضت پروتستان در اوایل قرن شانزدهم میلادی در اروپا، درگیری بین گروه‌های متخاصم کاتولیک و پروتستان در کشورهای مختلف، به جنگ و خونریزی و برادرکشی هم کشیده شد. این درگیریها و جنگهای مذهبی در اروپا، بیش از یک قرن طول کشید، تا بالاخره دو جناح کاتولیک و پروتستان، حق حیات متقابل را به رسمیت شناختند. از معروفترین آثار ادبی این دوره، کتاب «تاریخ شهدا» اثر «جان فاکس» (۱۵۸۷ - ۱۵۱۶ م) است که (در سال ۱۵۶۳ م) در انگلستان چاپ و منتشر شد. «فاکس» در اثر جامع خود، از ماجراهای شهیدان مسیحی قرن اول میلادی آغاز می‌کند، اما بخش اعظم کتاب، به شهیدان نهضت اصلاحات و کلیساهای پروتستان اختصاص دارد.^۵

در تاریخ ادبیات مسیحی، هیچ کتابی نامی‌تر از «سیاحت مسیحی» اثر «جان بنیان» (۱۶۸۸ - ۱۶۲۸ م) نیست. می‌گویند، پس از اختراع چاپ تا کنون، در دنیا هیچ کتابی

به اندازه «کتاب مقدس» ترجمه، چاپ، منتشر و توزیع نشده است. کتاب «سیاحت مسیحی» در رتبه دوم قرار دارد. از همان آغاز کار بشارتی کلیسای انجیلی پروتستان در ایران (۱۸۳۴ م)، پس از چند سال، این کتاب توسط «دکتر جاستین پرکینز» (۱۸۶۹ - ۱۸۰۵ م)، بنیانگذار هیئت بشارتی پروتستان در ایران، به آشوری ترجمه و در ارومیه به چاپ رسید (۱۸۵۸ م). ترجمه فارسی آن نیز توسط میشر و بانی کلیسای انجیلی فارسی‌زبان در تهران، «ج. ل. پاسر» انتشار یافت. از این اثر ارزشمند، اکنون سه نسخه قدیمی گوناگون به فارسی، در اختیار نگارنده است: نسخه‌ای به خط نستعلیق و چاپ سنگی متعلق به سال ۱۳۰۱ هجری قمری (۱۸۷۷ م)؛ نسخه‌ای به خط نسخ و چاپ سنگی متعلق به سال ۱۸۹۴ میلادی؛ و آخرین نسخه چاپ‌شده در ایران و توسط کلیسای انجیلی و با چاپ سربی متعلق به سال ۱۹۴۰ م (۱۳۱۹ ه. ش).

در سال ۲۰۰۱ م، کتاب «سیاحت مسیحی» با بازنویسی «حسام مرتضوی» توسط «انتشارات ایلام» که سازمانی مسیحی مستقر در انگلستان است، به زیور طبع مجدد آراسته شد. لازم به ذکر است، در موجی که در سالهای اخیر برای ترجمه آثار برجسته و کلاسیک مسیحی توسط مترجمان و ناشران غیرمسیحی ایران برخاسته - مانند «اعترافات آگوستین» (که سه ترجمه و چاپ متفاوت به فارسی از آن موجود است) و «اقتدا (یا تشبه) به مسیح» (که دو مترجم و ناشر آن را به فارسی منتشر کرده‌اند) و بسیاری کتابهای الهیات و ادبی دیگر مسیحی - این کتاب «سیاحت مسیحی» هم تحت عنوانی متفاوت (که البته ترجمه دقیق‌تری از عنوان انگلیسی این اثر، یعنی Pilgrim's Progress هم هست) به نام «سیر و سلوک زائر» توسط «گلناز حامدی» ترجمه و به همت انتشارات مدحت در سال ۱۳۸۱ منتشر شده است.

پیش از اینکه پیش‌تر رویم، ذکر خلاصه‌ای از این اثر داستانی جاویدان در مسیحیت، ضروری به نظر می‌رسد:

سیاحت مسیحی، شرح مسافرت و تجربیات یک جوینده حقیقت است که از شهر هلاکت بیرون آمده و خواهان آن است که به مقصد خود یعنی شهر آسمانی وارد گردد [شود]. به بیان دیگر این سفر، سفر هر مسیحی است که می‌خواهد در زندگی خود به سعادت ابدی که تنها در حضور خداوند است، دست یابد. نویسنده در این کتاب، اتفاقات زندگی و عمر انسان مسیحی را در این جهان، به صورت رؤیا بیان می‌کند و هدف او این است که به مسیحیان، قوت قلب بخشد تا بتوانند زحمات و سختیهای این جهان شیرین را تحمل نموده و به شهر آسمانی وارد گردند [شوند].

«انتشارات نور جهان» که از سوی دو کلیسای پروتستان ایران، یعنی کلیساهای انجیلی و اسقفی، از

۱۳۰۵ ه. ش. (۱۹۲۶ م) رسماً تأسیس شده - البته قبل از این تاریخ هم فعالیت داشت - در طی عمر طولانی و پُربار خود، علاوه بر چاپ کتابهای تاریخی و تعلیمی و کلیسایی، توجه خاصی به ادبیات داستانی مسیحی داشت. در اینجا به ذکر بعضی از کتب منتشره «نور جهان» که از مضمون داستانی برخوردارند، پرداخته می‌شود: ردا (خرقه)، در پی عیسی، بن هور، ستاره درخشان یا داستان مجوسی چهارم، کجا می‌روی؟ (یا هوسهای امپراتور).

«نور جهان» بعضی از آثار ادبی و داستانی جهان را هم، برای اولین بار به فارسی منتشر کرده است؛ مانند: داوید کاپرفیلد «آثر چارلز دیکنز»، شهزاده و بینوا «آثر مارک تواین»، و تام سایر «آثر مارک تواین».

بعضی از کتابهای «نور جهان»، داستانهای حقیقی و شرح چگونگی ایمان آوردن اشخاص به مسیح بود؛ از قبیل: جوان طبال، چگونه به هدف زندگی خود پی بردم، چگونه نجات یافتم، خانه حسن، مردی که در شزار فرو رفت، مژده نجات، فردوس پاداش جانپازی، یا سرگذشت سادو ساندر سینگ، سن فرانسیس آسیسی، فقیر غنی، قهرمان مسیحی، یا سرگذشت بنیامین بدل، کاکاواوی ژادپنی، میراث بهی، مارتین لوتر، جان وسلی. در این میان، کودکان سهم خاصی داشتند. «نور جهان» چندین جلد کتاب «درس اخلاق» برای تدریس در کلاسهای «کانون شادی» که خاص کودکان در کلیساهای انجیلی و اسقفی تشکیل می‌شد، منتشر کرد. مایه اصلی این کتابها، داستان اخلاقی و آموزنده برای کودکان مسیحی بود. و البته، بسیاری از دیگر کتابهای کوچک و کم حجم «نور جهان»، در واقع داستانهایی برای کودکان بودند؛ از جمله: اردک پُرچونه، برزگر و مزرعه او، پدر مهربان، خاکستری، خدا را به من بشناسان، خرگوش بهانه‌گیر، ستاره پادشاه، شبان و گوسفندان، عیسی، دوست بچه‌ها، سرودی که شبانان شنیدند، گربه مقلد، میلینگ (دختر چینی)، میمون مسخره، وقتی مسیح کوچک بود.

نوجوانان و جوانان نیز می‌توانستند از کتابهای خاص رده سنی خود برخوردار باشند؛ مانند: کوهستان سبز، مهر فرزندی، آدابان جوان، ابی لینکن، استیفان یونانی، بازگشت لاسی، با شهامت، بن فرانکلن، پادشاه نهر طلایی، پسر چوپان، پسر گدای جلیلی، تام ادیسون، تلاش لوتیزا (از کتاب زنان کوچک)، تلاش نیکو، جرج کارور، جین آدمز، حکایات شیرین، سرگذشت اشخاص نیکوکار، سه عروسی (از کتاب زنان کوچک)، شهر درخشان، کتاب شادمانی، کلارا بارتن، گنج در میان برف، ناتان، نخستین بانوی پزشک، ویکی سگ راهنما و هایدی که این آثار، شمه‌ای از کتابهای داستانی منتشر شده، توسط این انتشارات مسیحی بسیار فعال و پُرکار بود.

در دهه‌های اخیر و با پایان یافتن فعالیت «نور جهان»، سه انتشارات «حیات ابدی» و «آفتاب عدالت» و «آموزشگاه کتاب مقدس» که به کلیسای پروتستان دیگری در ایران به نام «جماعت ربّانی» تعلق داشتند، خدمت پُرباری به ادبیات مسیحی و کلیساهای ایران انجام دادند. از کتابهای تعلیمی و الهیاتی آنها که بگذریم، این کتابها را می‌توان جزو ادبیات داستانی این انتشارات محسوب کرد: قصه پیوستن، انجیل در پشت پرده آهنین، شعله فروزان (زندگی دیوید برینرد)، قهرمان ایمان (زندگی ویگلزورث)، بیست و پنج داستان کتاب مقدس.

همزمان با آنها و در چند دهه اخیر، انتشارات «کانون یوحنا رسول» وابسته به کلیسای کاتولیک آشوری - کلدانی تهران نیز، به کلیساهای مسیحیان ایرانی خدمات بزرگی ارائه کرده است. کتابهای ارزشمند بسیاری، به خصوص در زمینه تعالیم کلیسای کاتولیک و تاریخ کلیسای شرق، از سوی این کانون انتشاراتی در اختیار مسیحیان ایران قرار گرفته‌اند. در مورد کتب داستانی منتشره، توسط «کانون یوحنا رسول»، می‌توان لاقلاً به این کتابها اشاره نمود: دن بسکو - یک زائر روس - داستان یک زندگی (ترز مارتن).

نگارنده، پس از دستگذاری به مقام کشیشی و به



عده گرفتن مسئولیت شبانی کلیسای انجیلی آشوری تهران در سال ۱۳۶۶، توجه به ادبیات مسیحی و احیای گذشته پُرافتخار انتشارات کلیسای انجیلی آشوری را از جمله وظایف خود می‌داند. با توجه به تاریخ یکصد و هفتاد ساله این کلیسا (در ایران) درمی‌یابیم که اولین دستگاه چاپ سربی در سال ۱۸۴۰ م (۱۲۱۹ ه. ش) وارد ارومیه شد و توسط مبشران خارجی کلیسای پروتستان در خدمت به کلیسای انجیلی آشوری به کار گرفته شد.^۱

از همان ابتدا، علاوه بر چاپ انجیل و کتب مذهبی و تفسیری به زبان آشوری، به چاپ داستانهایی برای کودکان هم توجه می‌شد؛ که «حکایاتی از کتب مقدسه»، «دختر یک کشاورز والبریج»، «چینی کوچولو»، «انگشتری طلا»، «بچه‌های فقیری که مشهور شدند»، و «حکایاتی برای کودکان» از این جمله‌اند.^۱

ناید از یاد برد که «اشعه روشنایی» اولین نشریه چاپ سربی در ایران بود که به زبان آشوری و توسط کلیسای انجیلی آشوری ارومیه از ۱۸۴۹ م (۱۲۲۸ ه. ش) تا ۱۹۱۸ م (۱۲۹۷ ه. ش) قریب به هفتاد سال منتشر می‌شد.^۱ همین باعث شد که نگارنده نیز، به تقویت بولتن داخلی کلیسای انجیلی آشوری تهران،

به نام «ماهنامه ستاره درخشنده صبح» به دو زبان آشوری و فارسی، و نیز نشر کتب و جزوات، توجه بیشتری داشته باشد. با تعطیلی ماهنامه مذکور، از سال ۲۰۰۰ م (۱۳۷۹ ه. ش) فصلنامه «الف و ی» صرفاً به زبان آشوری منتشر شد. در هر دو نشریه فوق، هیچ شماره‌ای بدون «داستان» نبوده و حتی در بعضی موارد از آثار نویسندگان برجسته جهان که داستانهایی با مضمون خاص مسیحی نوشته‌اند، استفاده شده است. نمونه این‌گونه داستانهای به چاپ رسیده در «ماهنامه ستاره درخشنده صبح» به فارسی و یا در فصلنامه «الف و ی» به زبان آشوری، عبارت‌اند از: «غول خودخواه» و «آموزگار خرد» اثر اسکار وایلد، «کشیش» اثر گی دو موپاسان، «هدیه سال نو» و «پلیس و سرود کلیسا» اثر ا. هنری، «پروفسور دپلن» اثر اونوره دو بالزاک، «کودک» اثر آلبرتو مورویا، «نامه به خدا» اثر فونتنس گرگوریه لوپزیه، «نخستین اعتراف» اثر فرانک اوکانر، «شرط‌بندی» اثر آنتوان چخوف، «افسانه کرانه رود رن» اثر ویکتور هوگو، «درخت کریمس بهشتی» اثر فیودور.

در خاتمه لازم است از دوست عزیزم ادیسون ساعد هم که در بین مسیحیان ایرانی او را به خوبی می‌شناسم یاد می‌کنم او در داستان‌نویسی مسیحی قلم شیوایی دارد و چند داستان از او نیز در ماهنامه این کلیسا به چاپ رسیده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. میر، ویلیام. «تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران»، ترجمه علی نخستین، انتشارات اساطیر، چاپ اول (این ناشر)، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰.
۲. ماهنامه انتشارات حیات ابدی، شماره ۱۰، فوریه و مارس ۱۹۸۵.
۳. نفیسی، سعید. «مسیحیت در ایران»، به اهتمام عبدالکریم جزیره‌دار، انتشارات اساطیر، چاپ اول (این ناشر)، تهران، ۱۳۸۳، (صص ۹۱، ۸۵، ۴۲).
۴. سیمونو، نمرود، «یل بیجان»، ناشر: مؤلف، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳ (۱۹۸۴)، ص ۶۰.
۵. مک‌وی، کنلین، «سرودهای مار ایریم سربانی»، کانون بوحنای رسول، بی‌تا.
۶. Foxe, John. "Foxe's Christian Martyrs of the World", Barbour & Company, Uhrichsville, USA, 1989.
۷. پانپان، جان. «سباحت مسیحی»، بازنویسی: حسام مرتضوی، انتشارات ایلام، انگلستان، ژوئیه ۲۰۰۱، (ص ۴).
۸. نقل از دو کتابچه «فهرست نشریات نور جهان»، ۱۳۴۰ برابر با ۱۹۶۱ و نیز ۱۳۴۸ برابر با ۱۹۶۹.
۹. السدر، دکتر جان. «تاریخ مسیون امریکایی در ایران»، مترجم: سهیل آذری، انتشارات نور جهان، تهران، ۱۳۳۳، ص ۱۰.
۱۰. محمدی، محمدهادی و زهره قاینی. «تاریخ ادبیات کودکان ایران»، نشر جیستا، تهران، ۱۳۸۰، جلد چهارم، (صص ۶۷۳ - ۶۶۵).
۱۱. مجیدی، دکتر موسی. «تاریخچه و تحویل روزنامه‌های آذربایجان (۱۳۸۰ - ۱۳۳۰)»، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۲، (صص ۱۱۴ - ۱۱۳).
- گورگیز، هانیبال، «زهر یرا دی باهرا، اولین روزنامه آشوری‌های ایران و جهان»، پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران، (صص ۴۸۱ - ۴۶۶).

